

بسبب همین تضاد بین صنایع و اجتماع، هر فردی در حال کشمکش با تمام
توده است فوریته ثابت کرد که در داخل اجتماع پیشه های غیر لازم و نا
سودمندی وجود دارد و بعضی برای کارهایی صرف زحمت میکنند که فاقد
قدرت تولیدی میباشد وی میزان مفتخواران جامعه را بطرز دقیقی حساب
کرد.

در دستگاه سرمایه داری (کار) ارزش ناچیزی دارد و سوسیالیستهای
سابق از مطالبات خود اینطور نتیجه میگرفتند که در اجتماع آینده نیز
همین محدودیت باقی خواهد ماند ولی فوریته این مسئله را بطرز جدیدی
بیان میکند او میگوید: اگر اجتماع بصورت صحیحی تشکیل میشد زحمت
و کوشش (کار) جانشین ذوق و صفا میشد و نظر با اهمیت این مسئله وی تمام
قسمتهای آثار خود را باین فکر و به نقشه این تشکیلات صحیح منحصر میکند
فوریته میگوید: در دنیا نظم و هم آهنگی حکمفرمایی میکند موجودیت
انسان بیپنجه بیرون از نقشه عمومی بنای دنیا نیست ولی قوانین نامه قول،
تشکیلات بی معنی اجتماع طبیعت و خوی بشریت را پوچ نموده و بصورت
نفرت انگیزی در میآورد. خداوند آرزوها و آمال متنوعی بانسان عطا کرده
تامین زندگی مناسبی که متنوع رنج و مشقت نبوده باشد مستلزم ایجاد وحدت
و هم آهنگی میان این آرزوهاست و در اینصورت فوائد اجتماعی با آرزو
و آمال شخصی هر کس موافق خواهد بود.

به فئیده فوریته انسان نمیتواند آمال و هوس های مضر داشته باشد
هر نوع هوی و هوس انسانی قانونی است و اگر از آن بر اساس قواعد لازمه
استفاده شود مفید خواهد بود. باستناد این فلسفه بنظر فوریته باید تعداد معین
از مردم «۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ نفر» با اتحادیه شخصی مربوط باشند فوریته
این اتحادیه ها را «فالانک» و ساختمانهای بزرگی را که محل سکونای عمومی
افراد این اتحادیه است «فالانستر» (Phalanstère) می نامید.
پیشه وران مختلف و اشخاص متقابل با آرزو های گوناگون و هر نوع
استعداد که بوسیله دسته های متجانسی بین خود عقدا اتفاق بسته بودند میتوانند
باینجا داخل شوند. این قبیل اتحادیه ها که از افراد متجانس تشکیل میشود
در حکم دسته (مماعی مشترك) و یا کوئوپراتیف بودند. (فالانستر)
عبارتست از عبارت بزرگ و قشنگی که کلیه لوازم مورد احتیاج برای زندگی

راحت و سعادت‌مندان‌های در آفت آماده است در این بنای عظیم کار گام‌ها و ازارها و مزارع نیز موجود است .

در فالانگتا هر کس به روشنی که مایل است اشتغال می‌ورزد و همیشه خود را می‌تواند با آسانی عوض کند همچنین اجتماع از هر تمایلی می‌تواند به نفع خود استقبال کند مثلاً فوریه می‌گوید: بچه‌ها خیلی مایلند با کمال بازی کنند، برای مراعات ذوق و هوس آنها کارهایی بآنان واگذار میکنند. که این تمایل آنها را نیز تأمین کند. بمناسبت مراعات اصولی که سبب تجزیه و تفریق اصل قناعت و صرفه جوئی در مصرف نیروی کار و دیگر وسائل تولیدی میشود، در فالانگتا محصولات با مصرف نیروی کار مختصری ارزان بدست می‌آید بطوریکه زندگی گائی اعضای آن در میان هر نوع ناز و نعمت و فراوانیهای موجوده در روی زمین میکنند - فوریه برای تأمین برابری کامل و نیل به کمونیزم احساسات مالکیت و تحول معینی را لازم می‌شمارد زیرا بدون اینها ترقی در دنیا موجود نیست گذشته از این فوریه همانطور که سعی مینماید مهندسين و مخترعين را به عضویت در فالانگتا خرد و ادار کند سرمایه‌داران را نیز بورود در این اتحاد دعوت میکند ولی با تمام این احوال فالانگتا سازمان واحدی محسوب شده و در داخله آن موضوع استعمار انسان‌ها بوسیله بکدیگر بطور کلی فاقد مفهوم واقعی است. فوریه به تعلیم و تربیت اجتماعی افراد و همچنین به موضوع تشخیس روحیه آنان و تدریس علمی توأم با کار عملی اهمیت زیادی می‌دهد. فکر «مکتب مساعی» از ابتداعات مخصوص اوست در عین حال فوریه بر ضد اصولی که سبب اسارت اقتصادی زن و در امور اجتماعی موجب محدودیت وی با اشتغال کارهای خانگی میشود قیام کرده است و آزادی نسوان را از قید این محدودیت‌های تنخجداً تبلیغ می‌نماید.

اگر در عقاید سن سیمون بک نظر به وسیع و حقیقتاً نبوغ آمیزی می‌بینیم که تقریباً امکان مشاهده منشأ تمام افکار غیر دقیق اقتصادی سوسیالیستهای بعد از او را برای ما فراهم می‌سازد، در عقاید فوریه انتقادی از شرایط اجتماعی موجود می‌یابیم که شاید با قریحه‌ای کاملاً بی بند و بار بیان شده باشد ولی عمق و اهمیتش کمتر از عقاید سن سیمون نیست.

فوریه سخنان بورژوازی را با پیامبران الهام شده پیش از انقلابش

و متملقین ذینفع بعد از آن ، ملاک قرار داده انتقاد میکند و بدون ترحم فلاکت مادی و اخلاقی دنیای بورژوازی را علنی و آشکار میسازد ، فوریه جامعه بورژوازی را با وعده های پرطمطراق فلاسه آن که عبارت بود از ایجاد اجتماعی که در آن عقل حکومت کند و تمدنی که در آن آسایش عمومی با قابلیت تکامل بیحد بشری تأمین شود در برابر هم قرار میدهد و با عبارت پردازیهای خوش رنگ و ظاهر فریب متفکرین عصر خویش مقایسه میکند فوریه مدلل میسازد که چگونه همیشه پست ترین و مفادک ترین واقعیت ها با پرطمطراق ترین عبارات مطابقت دارد و شکست کامل و جبران ناپذیر آن عبارات را با نیشخند مورد تمسخر قرار میدهند - فوریه نه فقط یک نفر متقدم است بلکه بدون تردید باقتضای طبع روشن پیش یکی از بزرگترین نویسندگان بی نظیر هجائی است او در همین حال بذاه گوئی با کمال قدرت کلاه برداریها ، سفته بازی و حرص تمام تجار فرانسوی معاصر خویش را پس از افول انقلاب تشریح کرد اما انتقاد نیش دار تر روز نده تر از انتقاد است که از روابط جنسی بورژوازی و موقعیت اجتماعی زنان میکند فوریه اولین کسی است که اعلام کرد که در یک اجتماع مبین میزان آزادی عمومی با درجه آزادی زن سنجیده میشود ، «انگلس (سوسیالیسم تحلیلی و سوسیالیسم علمی)» در آثار فوریه که متضمن افکار بلند و عمیقی است تصورات و خیالات واهی میتوان یافت که دشمنانش آنها را دستاویز کرده و برا ریشخند میشوند در صورتیکه آرزوهای درخشان فوریه از مدت ها پیش ذهن متفکرین بخصوص سوسیالیستها را بخود مشغول میکرد . فوریه نیز مثل سوسیالیستهای متفکر پس از دوره هوریک اشتباه بزرگی دارد: او بقدری بصاحت و درستی و عملی و مفید بودن نقشه اجتماعی خود ایمان داشت که در تمام عمر با کمال بی صبری منتظر شخص متولی بود که مجذوب مناظر زیبای فالانستر او شده برای قبل انجام این آرزوی وی از خرج میلیونها پول خود مضایقه نکند ؛ فوریه چون ارزشی برای حکومتها قائل نبود لذا این عامل اساسی را در حساب خود منظور نمیکرد و هیچ انتظار مساعدتی هم نداشت و هنگامیکه آثار اولین انفجار نهضت های انقلابی کارگران در انگلستان و فرانسه احساس شد فوریه به این موضوع و تأثیر مثبت این جریانهای اجتماعی ابداً توجهی نداشته انتظار میلیونر

نیکوکاریرا داشت که افکار و تخیلات زیبای او را عملی سازد ولی با تمام این احوال باید دانست که اشتباهات سوسیمون و فوریه معلول وضع خاص سرمایه‌داری آن عصر بود و ضمن مطالعه آن وضع این نتیجه بدست می‌آید که : آنان معاصر بادوره‌ای بودند که علاقه و ارتباط اجتماعی وقتی هنوز بدوجه کامل نرسیده و توسعه کافی نیافته بود بنا بر این پیش بینی که در دوره نشو و نمای سرمایه‌داری راجع به تعویض این دوره به عصر سوسیالیسم کرده‌اند با تمام جنبه تخیلی خود از لحاظ تأثیر مثبتی که در وضع و انسجام افکار سوسیالیستی داشته خدمت بزرگی محسوب می‌شود .

اتین کابه

-۶-

Etienne - Cabet

۱۷۸۸ - ۱۸۵۶

کابه فرزند یکنفر خراط بود که سال ۱۷۸۸ بدینا آمد و هنگام کودکی بعلمت شرابط نامساعد مادی بمنعت پدر خود اشتغال ورزیده‌وش و ذکاء فوق‌العاده‌محل و علاقه‌ فزینی که به تحصیل دانش از خود نشان میداد باعث شد که پدرش درسالهای بعد شخصاً تعلیم و تربیت ویرا بعهده گیرد پس از چندی کابه مطالعات خود را در رشته حقوق و ادبیات بیابان رسانیده به تاسیس دارالوکاله مبادرت ورزید از این پس فعالیتهای اجتماعی او در نتیجه اطلاع دقیقیکه بسبب تماس با افراد مستعدیده و اوضاع طبقات زحمتکش بدست آورده بود شروع شد . در اثر کوشش و مجاهدت وی در راه مبارزه با عوامل فساد اجتماعی و انتقادات شدیدیکه از قوانین ارتجاعی و اصول مخالفانه حکومتهای بورژوازی میکرد هنگام تجدید حکومت بوربونها (Bourbons) موجب تعقیب دائمی او از طرف پلیس فراهم شد . با وجود تسلط عمیق حکومت پلیسی بوربون نهادر تمام شئون زندگی معینا کابه از فعالیت سیاسی و اجتماعی خود بهیچوجه خسته نمیشد و با پیش آمدن انقلاب «ژوئن» کابه با منتهای جدیت در راه این نظریات اجتماعی خود کوشا شد و یکی از عناصر فعال این انقلاب گردید . حکومت لوئی فلیپ برای جلب خاطر این وکیل جدی مقام بزرگی در دستگاه دولتی بعهده او گذاشت ولی این موضوع فعالیت آزادیخواهانه کابه را برضد حکومت بورژوازی متوقف نکرد و او استعفا داد .

پس از چندی به نمایندگی مجلس انتخاب شد در اینموقع کابه با انتشار روزنامه‌ای بنام «پوپولر - طرفدار خلق» که از جرائم دست چپ فرانسه

محسوب میگردد اقدام نمود و از این بیعت این سوسیالیست و مرد انقلابی جدی خواه از کرسی خطابه مجلس نمایندگان و خواه بوسیله روزنامه خود، مبارزه شدیدی برضد حکومت مطلقه استبدادی آغاز کرد در نتیجه این کوشش و مجاهدت خستگی ناپذیر دو بار به محاکمه خوانده شد و در دفعه دوم بنسبت دو سال محکومیت بزندانبسال ۱۸۳۵ بانگلستان مهاجرت نمود و در کشور اخیر با نوشته های توماس مور و اون آشنا شد و تا آخر عمر از طرفداران جدی و متعصب کمونیسم بود.

چندی بعد گابه بفرانسه مراجعت کرد و بسال ۱۸۴۰ کتاب مشهور خود بنام «سیاحت در ایکاریا» (Voyage en Icarie) را با امضای مستعار و رسالات زیاد دیگری مانند «من چطور کمونیست شده ام» و «مذهب کمونیسم» را منتشر کرد و از سال ۱۸۴۱ به تجدید انتشار روزنامه «پروپتیئر» مبادرت ورزید. این روزنامه بر اساس عقاید کمونیستی انتشار می یافت و تا سال ۱۸۴۸ نشر آن ادامه یافت.

برنامه کمونیسم که روزنامه مذکور ناشر آن بود برای نیل با اصلاحات قلمی اجتماعی و ایجاد جامعه سعادت مند کمونیستی از تا کتیک صلح جوانانه پیروی میکرد و در اثبات صلاحیت مهم و قلمی افکار کمونیستی از لحاظ قابلیت منطقی تطبیق آن با حیات اجتماعی، با اصول و شمارهای این نظریه رنک مذهبی نیز داده شد: «برادری در نظر ما عبارت از مذهبی است که از الهامات حقیقی ربانی سرچشمه میگردد - نزدیکان را با اندازه خودت دوست بدار - و غیره. اولین وظیفه اجتماع عبارتست از تأمین مادی و معنوی تمام اعضای خود از هر حیث و جهت. و لکن ما میخواهیم تمام این تحولات را بدون استثمار و اسارت کسی، بترتیبی موافق و مطابق با عدالت عقل سلیم و قوانین برادری بوجود آوریم. ما خواهان انقلاب نبوده تقاضای اصلاحات میکنیم. ما معتقدیم و ایمان داریم که حصول کلیه این نتایج مسعود مستلزم پشتیبانی افکار عمومی است»

در خصوص اثر مشهور گابه «سیاحت در ایکاریا» باید گفت که این کتاب رمان شیرین و جذابی است که بنویه خود نیز بی نظیر میباشد و در آن از حیات سعادت مندان و کمونیستی کشور فرضی ایکاریا یا اطلاعات مبسوطی داده شده است.

فرق عمده «اتوپیا» ی کابه از سایر آثار نظیر آن و «اتوپیا» ی
 توهاس مورد در ایشست که: دولت کمونیستی کابه از لحاظ سیاسی، جمهوری
 دمکراتیک جدی محسوب میشود که در آن حکومت بوسیله خود مردم
 تشکیل می یابد و دولت نماینده منافع هم آهنگ توده های وسیع میباشد و در
 نتیجه اتکاء حکومت جمهوری به پشتیبانی اکثریت مردم، حیات و وطنان
 از کلیه جهات و احتیاجات دقیق آنان بوسیله دولت تأمین میشود - در
 «ایکاریا» آزادی مطبوعات وجود ندارد و فقط در مراکز اجتماعات،
 روزنامه های رسمی دولتی انتشار می یابد (از اینجا نفرت و عداوت کابه
 نسبت به مطبوعات بورژوازی استنباط میگردد). همچنین فرق «ایکاریا»
 با «فالانکا» ی فوریه آنستکه: کابه از دین و مذهب نگاهداری میکند
 با این تفاوت که روسای مذهبی در حکم معلمین تهنیب اخلاق هستند و
 مذهب مردم را به پیروی از اصول برادری و محبت تبلیغ مینماید و نیز قوانین
 خانوادگی بورژوازی شکل اولیه خود را حفظ میکند (از دواج در «ایکاریا»
 امر غیر قابل فسخی تلقی میشود با اینکه روح خرده بورژوازی و پاره ای
 جهات تنگ نظرانه کابه از لحاظ اهمیت اجتماعی ویرا پائین تر از فوریه
 قرار میدهند معینا در «سیاحت ایکاریا» نه تنها هور و مقلدین ویرا
 تحت اشاع قرار داده بلکه بر فوریه نیز پیشی گرفت. در حالیکه مور
 برای کلیه چیزهای زشت و سخت و طاقت فرسا صرف نیروی انسانی را تجویز
 میکرد و همچنین با آنکه فوریه کارهای دم و بیش نظائر آن را بعهده اطفال
 و اگذار مینمود بنظر کابه تمام اینکارها باید بوسیله فنون و صنایع فوق العاده
 کاملی که زحمت انسانی را سهل خواهد کرد انجام پذیرد. علت این ظرز
 تفکر و سبب این پیش بینی علمی نتیجه دقت و تعمق کابه در نقش آینده صنایع
 و فنون متریقی سالهای مقارن ۱۸۴۰ بود و حال آنکه فوریه راجع باین
 موضوع معلومات زیادی نداشت بعلاوه کابه این نکته را نیز تشخیص میداد
 که تطبیق ناگهانی سازمان کمونیستی در حیات اجتماعی امکان ناپذیر
 است بطوریکه در ایکاریای او پس از مدتهای متمادی انقلاب و جنگ
 داخلی که منتهی بفتح طبقات زحمتکش گردید «ایکاریا» کمونیست از طرف
 توده های مردم بزمانمداری انتخاب شد و مدت ۵ سال برای دوران آمادگی
 تعیین کرد. در عرض اینمدت نسل جدید تحت شرایط انهای تدریجی مالکیت

خصوصی و اصول برابری و موظف بودن به «کار» پرورش یافت .
گرچه کابۀ طرفدار اتخاذ راه «صلحجویانه» و مسالمت آمیز در
استقرار کمونیسم بود ولی با «اوتوپیت» های سابق يك تفاوت اساسی داشت
وی بهیچوجه در انجام دادن نظریات اجتماعی خود منتظر کهک و مساعدت
طبقات عالی و اشخاص نیکو کار نبود بلکه برعکس در ایجاد جامعه سعادتمندانه
کمونیستی فقط طبقه پیشرو پرولتاریا را بگانه عامل مؤثر میدانست باینجهت
مارکس و انگلس با اینکه کابۀ زا تنقید میکردند معینا نظریات
کمونیستی او را باحسن توجه استقبال نموده و این نظریات را نخستین
تظاهرات بی آرایش نهضت های کمونیستی کارگران می نامیدند حقیقه ه-م
کتاب کابۀ در میان طبقات کارگر بوقیته های مهمی نائل شد و بنا بر عقیده
معاصرین عدۀ طرفداران او بچندین صد هزار نفر میرسید و در ردیف
جمعیت های متشکل و مخفی کمونیست های انقلابی که با فلسفۀ انقلابی باهوق
مجهز بودند شعب «کمونیست های ایکاریا» نیز که در آرزوی ایجاد
مستلکۀ کمونیستی بسر میبردند تشکیل یافت و بهمین لحاظ هنگامیکه کابۀ
پس از توفیق به تحصیل امتیاز چند قطعه زمین در ممالک متحده امریکا
خطابه ای به عنوان کسانیکه میل بهمراهی باوی در ایجاد مستلکۀ کمونیستی
دارند صادر نمود این عمل از طرف توده های وسیع زحمتکش با کمال
رغبت و اشتیاق استقبال شد و کمیته ای برای انتقال اهالی مستلکۀ آینده
امریکا انتخاب گردید و خود کابۀ از طرف مردم بسمت رهبری عمومی
تشکیلات کمونیستی آینده تعیین شد.

اولین دسته مهاجرین بدون همراهی کابۀ که موقتۀ در پاریس مانده
بود در اوایل ماه فوریه ۱۸۴۸ بطرف امریکا حرکت کرد و سه هفته بعد از
عزیمت این دسته انقلاب فوریه فرانسه شروع شد و حکومت جمهوری اعلان
گردید و این اتفاق نخستین ضربه ای بود که بر پیکر نیات کابۀ وارد شد.
بعد از این واقعه کارگران و افراد زحمتکش که بانجام نیات خود بوسیله
حکومت جمهوری امیدوار بودند از تصمیم مهاجرت بامریکا منصرف شدند
و حتی آنانیکه بقاره جدید رسیده بودند از ترك اقامت خود در فرانسه جدید
انقلابی اظهار تأسف می نمودند :

رفته رفته در مستملکات کمونیستی رنجیده گییا و مشقات حاصله از

پراکندگی سازمان اجتماعی شروع شد و قبل از هر چیز هوای محل که برای سکونت نامناسب بود و وجود امراض بومی که اغلب منجر بمرگ اشخاص میشد گردید تمام این عوامل دست بدست هم داده و موجبات اختلال اقتصادی جامعه را فراهم نمودند و برای دفعات مکرر معلوم شد که مردم رانیتوان دفنة از جامعه بورژوازی بیجامعه کمونیستی انتقال داد و رود کابه به مستملکه در اوضاع آشفته آنجا تأثیری نبخشید اهالی بنقاط و اراضی دیگر مهاجرت میکردند شکاف حاصله در وحدت اجتماعی روز بروز وسعت یافته صداهای اعتراض از هر جا برضد زمامداری کابه برخاست. پس از پیش آمد این حوادث ناگوار دیگر زندگی برای کابه جز گرفتاریهای یأس آور و ملالت بار مفهومی نداشت و روز بروز قوایش رو به تحلیل میرفت و بالاخره بسال ۱۸۵۶ در حالیکه روح مبارزه جوییش و اتاریکی یأس و ناامیدی فرا گرفته بود جهان را بدرود گفت

صرف نظر از نفاق و دودستگی هائیکه در نتیجه مبارزات مکرر مربوط باین مسئله که آیا در مورد اصول اداره موجوده به تطبیق سیستم دیکتاتوری باید اقدام کرد یا دموکراتیک؟ پیش آمد مهملها باز قبایل ایکاری یا مدت های متمادی پس از مؤسین اوانه خویش توانستند موجودیت اجتماعی خود را حفظ نمایند و یکی از این قبایل تا سال ۱۸۹۵ یعنی تا نیم قرن بعد وجود داشت و این موضوع ایمان و اعتقاد کارگران ایکاری یا و فرزندانشان را بصحت و درستی اصول کمونیسم نشان میدهد.

این کمونیست های پرولتر که همه مردمی بامسلك بودند از عناصر ماجراجویی که به مستملکه کمونیستی اوون مهاجرت مینمودند و با از روشنفکران موسی فالانستر فوریه که در اندک زمانی هوس و فعالیت اولیه خود را از دست میدادند امتیاز غیر قابل تردیدی دارند.

بیست سال پس از مرگ کابه یکی از زائرین قبیله ایکاری یا ضمن شرح حیات متین و آرام این قبیله که افراد آن در نجران ساده هستند مینویسد: عصرها بازار ایکاری یا از همه لحاظ جالب توجه است در این هنگام خطابه ای از منتخبات آثار پیشوای بزرگ ایکاری یا یعنی «اتین کابه» قرائت میشود. آوازه های دسته جمعی میخوانند و مردان جوان نطق های موثری که روحیه تسابل بسوسیالیسم را تقویت میکند ادا مینمایند.

اوست بلانکی

-۷-

Louis - Auguste Blanqui

۱۸۰۵ - ۱۸۸۱

سی و هفت سال در زندان

در تاریخ مبارزات اجتماعی مردان بزرگ کمتر مرد مبارزه جویی را می بینیم که بتناظر هدف اجتماعی و سیاسی خود و در راه نجات رنجبران از قید اسارت و بندگی نصف عمرش بمبارزه با پیداکریپای مبنه‌ها که در زندان سپری شده باشد!

اوست بلانکی مردی که در تمام عمر خود نمونه بارزی از روح خستگی ناپذیر و مبارزه جوی رنجبران بود از لحاظ مذکور شخصیت اجتماعی ممتازیست. وی در تمام انقلابات قرن نوزده فرانسه با فعالیت بی نظیری شرکت نمود از منافع صنف کارگر و کلیه طبقات ستم‌کش در مقابل حکومتی‌های بورژوازی و ارتجاعی فرانسه پندافه میکرد بدین مناسبت کلیه احزاب بورژوازی حتی چپ‌ترین آنها نسبت با او کینه و دشمنی مخصوصی ابراز میداشتند.

عداوت و کینه ورزی وحشیانه‌ای که مستند بر حفظ منافع کثیف بورژوازی بود موجب دودنه محکومیت بلانکی با اعلام گردید ولی در هر دو بار این حکم که اجابت و سرسختی دشمنان طبقات رنجبر را در مبارزه با عناصر آزادبخواه و ترقی پرور میرسانید بعینس دائم با اعمال شاقه تبدیل یافت بطور کلی رویهمرفته سی و هفت سال از بهترین زندگی بلانکی در محبس سپری شد.

اوست بلانکی فرزند یکی از مأمورین ایالتی ناپلئون اول بود پدرش از مبارزین فعال انقلاب کبیر فرانسه محسوب میشد هنگام کودکی

حقیقتی خویش با سلطنت لوئی فیلیپ که از خاندان بوربن بود روی موافقت نشان داد بلانکی بر ضد حکومت جدید بورژوازی بدون احساس خستگی بمبارزه آشتی ناپذیری پرداخت. او جمعیت‌های سری از روشنفکران و کارگران تشکیل میداد و توطئه‌ها بوجود می‌آورد و مقدمات عصیان‌های جدیدی را فراهم میکرد بدین مناسبت چندین بار از طرف پلیس مورد تعقیب واقع شده محاکمه و زندانی گردید.

در عرض این مدت تدریجاً نظریات و عقاید اولیه بلانکی که بر اساس اصول دمکراسی خرد بورژوازی قرار داشت با فکار اشتراکی تبدیل یافت این تحول فکری نتیجه ذقت و مطالعه او در تلاش و اجاجت طبقه بورژوازی بمنظور ایجاد اصول جدید بردگی در زیر افافه آزادیخواهی و بسبب آشنائی وی با بوانارتی (Buonarroti) کمونیست سابق و یکی از رفقای بابوف که تازه از تبعید مراجعت کرده بود هنگام او این اعتصاب کارگران لیون (Lyon) و موقع حکومت بورژوازی در سالهای ۱۸۳۱-۱۸۳۴ بوده است و بالاخره در ۱۲ مه ۱۸۳۹ بلانکی بمنظور ایجاد حاکمیت انقلابی زحمتکشان و روشنفکران بجای حکومت ظالمانه بورژوازی تصمیم گرفت مقدمات قیام مسلح بر ضد حکومت وقت را فراهم نماید این عصیان بناسبت خود داری توده‌های مردم از الحاق بقیام کنندگان با عدم موافقت مواجه شد در نتیجه بلانکی دستگیر و با اعدام محکوم گردید ولی پس از چندی مورد عفو قرار گرفت و باتفاق سایر رفقایش بحبس انفرادی با اعمال شاقه محکوم و در محبس من سن میشل (Mont-Saint-Michel) زندانی شد. طرز رفتار ظالمانه مأمورین این زندان با محبوسین شباهت کاملی با بربریت‌ها و شکنجه و آزار مأمورین قرون وسطائی داشت محبوسین را در جاهای مرطوب و تاریکی بحبس انفرادی و ادار کرده و شکنجه و عذاب میدادند خوراک زندانیان بدبخت عبارت از غذاهای کثیف و تهوع آور بود. در این مسئله جای هیچگونه شبهه و تأملی نیست که مرتجعین در تمام کشورها بمقتضای ماهیت خود و حیثانه‌ترین طریق را برای محو کردن تصفه‌های آزادیخواهی سرمشق خود قرار میدهند و نظر بمراعات همین اشتراك منافع کثیف است که در دوره تاریک بیست ساله طبقات حاکمه ارتجاعی ما بصورت زندان مختاری در امتداد هر نوع تصمیم‌های جایزانه

درباره زندانیان سیاسی اصول بین‌المللی شکنجه و عذاب را سرمشق خود قرار میدادند .

تمام این مشقات جسمانی و همچنین خبر مرگ همسر محبوب پلانکی که بر شدت رنج و الم روحی او افزود از کینه او نسبت بدشمنان و جلادهای بیرحم بورژوازی نکاست . وی موفق گردید که در خلال این همه مشقات طاقت فرسا خونسردی خود را بدست آورد حتی بفرار از زندان نیز اقدام کرد ولی دستگیر شد . پلانکی بیشتر اوقات خود را ب مطالعه و نوشتن میگذراند و نوشته‌های خود را از مدیر زندان پنهان میداشت و در این موقع بناسبت اینکه بمرض سل مبتلی شده بود اولیای زندان ناگزیر او را در محبس دیگری از نواحی جنوبی فرانسه انتقال دادند . در این محبس وقتی مطلع گردید که بصورت غیر منتظره‌ای مشمول مراحم پادشاه شده و عفو گردیده است اجرای عفو پادشاه را در مورد خود قبول نکرد . پس از نه سال تحمل سختی‌های زندان بالاخره با انقلاب فوریه ۱۸۴۸ از زندان نجات یافت . در این هنگام درباریس حکومت جمهوری اعلام شده بود .

در حکومت موقتی که از عده‌ای از وکلا و نویسندگان تشکیل یافته بود به موجب تقاضای کارگران سوسیالیست اوئی پلان ویکتور از کارگران بنام آلبرت نیز شرکت داشتند بدین لحاظ از ظاهر امر چنین استنباط شد که حکومت جدید بر اساس دموکراسی واقعی و تأمین منافع طبقه کارگر بنا شده‌ولی آنچه قابل اهمیت است اینست که این ظاهر فریبنده در استقرار عدالت اجتماعی و تأمین حقوق مساوی طبقات زحمتکش و ایجاد مساوات اقتصادی که منظور و هدف اصلی توده‌های کثیر فرانسه بوده هیچگونه تأثیری نداشت . اغلب اعضای حکومت موقتی که بطرفداری از منافع طبقات زحمتکش تظاهر میکردند اشخاص مست عنصر بی اراده‌ای بودند و حتی در پاره موارد اشخاصی مانند اوئی پلان از اقدام برخلاف کارگران انقلابی نیز دریغ و مضایقه نمیکردند .

پلانکی تمام این نکات را درک مینمود و از او این روز فتح انقلاب پادشاهی سیاست خائتانه حکومتی که بدست رنجبران و طبقات زحمتکش روی کار آمده ولی ابدأ در صدد تأمین هیچیک از منافع طبقاتی آنان نبود شروع کرد . وی در کلونی که تشکیل داده بود بدون احساس خستگی

به تبلیغات انقلابی پرداخت و برای وضع حکومت موقتی و ایجاد حاکمیت انقلابی رنجبران کوشید. نمایشات بهیچى باشراک کارگران علیه دولت و منافع بورژوازی تشکیل داد و همتا قدر که میان کارگران پاریس دارای محبوبیت و مورد اطمینان و اعتماد بود حکومت موقتی و دستگاه بورژوازی از وی متنفر بودند و حال آنکه در هیئت دولت از رفقای قدیمی وی که در جمعیت‌های مخفی سال ۱۸۴۰ شرکت کرده بودند نیز وجود داشتند.

در این موقع با انواع وسائل بلائکی را تعقیب میکردند و مردم را برضد او نهیب میزدند و بدستگیری پلیس اسناد ساختگی برضد وی فراهم کرده حتی از ایراد بهتانهای قبیح نیز مضایقه نمیکردند. دشمنان بلائکی جدیت داشتند وی را متهم کنند باینکه او در دوره زمامداری اوئی فلیپ و بعد از عمیانهای ۱۸۳۹ اسرار تشکیلات انقلابی و رفقای خود را به پلیس تسلیم میکرده است بلائکی با کمال آسانی و خون سردی بینظیری تهمت‌های وارده را رد کرد ولی همچنان بسبب این کارها اکثر مردم در حال سوء ظن باقی ماندند و شهرت و معروفیت و نفوذ بلائکی از این حیث صدمه خورد. جندی بعد پس از تشکیل مجلس موسسان ارتجاعی، حکومت از نمایش نگارگری پانزدهم ماهه استفاده کرده بپنجم ماه هجوم آورده بسمارت مجلس موسسان، بلائکی را هم ضمن سایر رؤسای نمایش دهندگان توقیف نمود. پس از یکسال حبس و بلا تکلیفی، حاکمه شروع شد بلائکی در این محکمه بانطق آتشین خود مانند دادستان حقیقی ملت جنایات و فجایع عمان دستگاه حاکمه بورژوازی را که مبتنی بر تجاوز بحدوق مسلم و طبیعی جنایات زحمتکش و مملوک حفظ اصول آقائی و بردگی بود باجرات و شجاعت بی نظیری تشریح نمود و پس از خاتمه آخرین دفاعیه، بموجب حکم ظالمانه‌ای که بوسیله ریزه‌خواران طبقه بورژوازی که بنام قنات بمظالم اربابان خود رانر لفافه قسوانین فریبنده برده پوشی میکردند صادر شد بلائکی بده سال زندان محکوم گردید و باز مجدداً دوره های طولانی محبس آغاز شد.

گرچه سختیهای زندان این بار مثل سابق نبود ولی در عوض مبارزات شدید موجوده بین سایر محبوسین سیاسی که از لحاظ ارزش منوری تنزل کرده بودند بلائکی را هم احاطه نمود در این زندان انقلابیون خرده

بورژوا که از دشمنان سیاسی او محسوب میشدند محبوس بودند و از کینه و رزوی با بلانکی خودداری نمی‌کردند فقط کارگزاران موفق میشدند که موجب راحتی و آسایش او را در زندان فراهم کنند بلانکی موفق گردید از این محبس که میان جزیره‌ای واقع شده بود فرار نماید وی باتفاق یکی از رفقای جوان خود هنگامیکه محبوسین در حیاط عمومی زندان گردش میکردند در گوشه‌ای مخفی شده و موقع مقتضی از دیوار زندان فرود آمدند و لسی ماهیگیری که آنان را از آب بساحل رسانیده بلافاصله فرار آنان را بزندانی اطلاع داد و بلانکی دوباره توقیف شد و در همان محبس زندانی گردید چند سال بعد وی را بزندانی کثیف و مرطوبی در جزیره کرس فرستادند و پس از اتمام مدت محکومیت او را با فریقا تبعید کردند. عفو عمومی که در سلطنت ناپلئون سوم داده شد شامل حال وی نیز گردید و از این بعد بلانکی دوباره بزندگی سیاسی قدم گذاشت.

در فرانسه آن روزی ارتجاع سیاه حکومت میکرد و اصول استبدادی بر کلیه شئون اقتصادی و اجتماعی تسلط داشت طبقه کارگر نیز با قتل و غارت ماه ژوئن ۱۸۴۷ و دیکتاتوری ناپلئون سوم بسبب فقدان زهبری صحیح و وحدت تشکیلاتی در خواب یأس و ناامیدی فرورفته بود. بلانکی پس از یازده سال تحمل رنج زندان اکنون خود را تنها میدید حتی فرزندش نیز که در عرض این مدت تحت سرپرستی یکی از اقوام تروتمند مادر خود بزرگ و با روح بورژوازی تربیت شده بود برای بلانکی فاقد موجودیت محسوب میشد ولی معینا این پیر مسرد شجاع و ضعیف‌البینه و سفیدموی با همان استمداد و قدرت سیاسی او ان جوانی زندان را ترك گفته بود. او احساس میکرد که سالهای ارتجاعی در شرف از بین رفتن است و در میان کارگران و روشنفکران جوان نسل جدیدی که واجد قدرت چاره جویی است بوجود میآید. بلانکی کارهای انقلابی خود را بطور مخفیانه از نو شروع کرد ولی با وجود احتیاطات مبذوله باز پلیس او را تحت تعقیب قرار داد و بالاخره در سال ۱۸۶۱ توقیف و محکمه پاریسی بلانکی را به چهار سال حبس محکوم کرد.

این باروی را در محل مخصوص که بزندانیان سیاسی اختصاص داشت محبوس کردند در اینجا بلانکی با تجلیل و احترام بی نظیری از طرف سایر

زندانیان استقبال شد و در محیط زندان به تربیت نسل جدید انقلابی مبادرت ورزید کمی قبل از اتمامی دوره محکومیت بلانکی را بسبب بیماریش به بیمارستان منتقل کردند و چون احتمال کلی میداد که پس از بهبودی ممکنست او را بممالک خارجه تبعید کنند چندی بعد از بیمارستان فرار و به بروکسل عزیمت کرد. گرچه بلانکی شهر اخیرا محل اقامت خود قرار داد ولی گاهگاهی بطور مخفیانه به پاریس مسافرت میکرد و بتأسیس دسته‌های منفی انقلابی مبادرت میورزید.

(هنگامیکه در جنگ ۱۸۷۰ آلمان و فرانسه، بسبب شکستهای متوالی قوای فرانسه، اعتراض مردم باصول سلطنتی بلند شد بلانکی جدیت میکرد که در مهله کارگران پاریس مقدمات قیام مسلح برضد حکومت وقت را فراهم آورد ولی این بار نیز مانند سال ۱۸۳۹ در اجرای نقشه خود موفقیت نیافت اشتباهات اساسی و کلی فعالیتهای وی در این بود که: بعقیده وی انقلاب را نمیتوان بطور مصنوعی ایجاد کرد و وقتی که شرایط مهیت بوجود آمد انقلاب بخودی خود عملی میشود؛ چندهفته بعد از تثبیت بی نتیجه بلانکی در چهار سپتامبر ۱۸۷۰ حکومت جمهوری اعلان شد این بار بلانکی تحت تأثیر احساسات وطن پرستی اشتباه دیگری نیز مرتکب شد: پس از بیش آمد تحولات ۴ سپتامبر با آنکه در رأس حکومت کارکنان جدی بورژوازی قرار گرفته بودند و خود بلانکی همه آنان را از سال ۱۸۴۸ میشناخت بدون آنکه در نظر داشته باشد که افراد این دسته در ضدیت و دشمنی با طبقه کارگر بهر نوع خیانتی حاضرند، آرزوی آنانرا در استخلاص فرانسه از دست آلمان باور کرده و در روزنامه خود بنام « وطن در خطر است » بجلب و پشتیبانی کارگران از حکومت جمهوری کوشش می نمود و کارگران را از هر نوع مخالفت و مبارزه با دولت منع میکرد ولی بزودی دریافت که حکومت جمهوری جدید از لحاظ رسوائی و طرح نقشه‌های ارتجاعی بهترین پشتیبان بورژوازی است لذا با کمال شدت در برانداختن حکومت موقتی جمهوری و استقرار حاکمیت انقلابی کارگران پافشاری میکرد) در ۳۱ اکتبر ۱۸۷۰ پس از يك نمایش بی نتیجه کارگری که تقاضا میکرد حکومت موقتی، بلانکی را نیز بعضویت قبول کند. بلانکی بمنظور محافظت خود از تماس بورژوازی کینه جو مجبور گردید خود را پنهان نماید و بالاخره.

در ماه مارس ۱۸۷۱ یعنی همانروز که کارگران پاریس قیام نمودند روزی که کمون انقلابی حکومت پرولتاریا که دولت فوق العاده مستعجلی بود برای اولین بار در تاریخ در فرانسه بوجود آمد بلانکی در یکی از ایالات فرانسه توقیف و زندانی شد و قبل از صدور حکم محکومیت در زندان مرطوب قلعه دور افتاده و واقع در کنار دریاجس انفرادی گردید بلانکی که دیگر پس از این واقعه علاقه خود را از تمام دنیا و زندگی قطع کرده بود رساله مهمی راجع به علم نجوم نوشت و پس از آنکه دو بار از طرف دیوان حرب محاکمه شد بحبس ابد محکوم گردید و وی را بزندان ایالتی فرستادند. در این محبس هم بلانکی را بزندان مجرد انداختند و بلانکی پیر که گرفتار هزاران رنج و سدمات ملاقات فرسای زندان بود و برای بورژوازی خطرناک محسوب میشد هشت سال دیگر نیز عمر کرد. بیداری کارگران و نهضت سیاسی جدیدی که در فرانسه مراحل اولیه خود را می پیمود پارلمان جمهوری سوم را مجبور کرد که فراموشی صادر نماید باین ترتیب پیر مرد هفتاد و پنج ساله ما نیز بالاخره در سال ۱۸۷۹ از زندان آزاد شد کارگران و کلیه افراد شریف فرانسوی ویرا با کمال احترام و جلال استقبال کردند. بلانکی یکسال و نیم دیگر بدون احساس خستگی به تبلیغ مفاید کمونیستی گذراند و در اول ژانویه ۱۸۸۱ برای همیشه چشم از جهان بر بست.

برعکس آنچه از ظاهر امر پیداست بلانکی فقط مؤسس توطئه های ضد ارتجاعی و یکنفر مبارزه جوی انقلابی نبوده بلکه نویسنده ای باهوش و ناطقی زبردست محسوب میشد او یکنفر ماتریالیست بود و به فائزیه ها و خیالات بیهوده سوسیالیستهای تغیلی میخندید و با کارگرانی که از فعالیت انقلابی شانه خالی میکردند مبارزه مینمود. بلانکی تصدیق و اعتراف میکرد که برای نیل بسوسیالیسم فقط يك راه موجود است. «استقرار حاکمیت انقلابی کارگران». بدین لحاظ به تشکیلات اقتصادی طبقه کارگر دقت زیادی مبذول میداشت. برای افکار بیش از شرایط اقتصادی اهمیت قائل میشد و با آنکه با سوسیالیسم علمی مارکس آشنا نبود معذاهار کس و انگلس که در اکثر موارد با بلانکی هم رأی نبودند باز او را از صمیم قلب دوست داشتند و رهبر واقعی کارگران فرانسه محسوب میکردند. در

حقیقت هم بلائکی باوجود اشتباهات سیاسی خود از نظر کارگران فرانسه نمونه بارزی از مدافعین منافع طبقات رنجبر محسوب خواهد شد. طبقه کارگر بلائکی را با صفت انقلابی که یک عمر در تحت سخت‌ترین شرایط برای استقرار سوسیالیسم فداکاری کرد پرستش و با احترام یادآوری خواهد نمود.

لوئی بلان

- ۸ -

Louis Blanc

۱۸۸۲ - ۱۸۱۱

همانطور که در حدود سال ۱۸۴۰ جمعیت‌های منظمی کمونیستی فعالیت‌های انقلابی در فرانسه مشغول بودند بموازات آف سوسیالیسم « صلحجو و مسالمت‌آمیز » هم توسعه و انتشار مییافت حکومت‌های وقت بمناسبت ماهیت صلحجویانه این سوسیالیسم از نشر و توسعه آن جلوگیری نمیکردند بدینجهت سوسیالیسم مذکور توانسته بود بوسیله فعالیت‌های علنی خود توده‌های وسیع کارگران را نیز احاطه نماید فرق عمده و اساسی سوسیالیست‌های مذکور با روشنفکران سن سیمون نیست و طرفداران فوریه این بود که آنها از تماس و ارتباط بانوده‌های کارگران مضایقه ننموده و در موارد حساس قبل از هرچیز بقدرت و نیروی تشکیلاتی طبقه کارگر استناد میجستند .

تکامل سرمایه‌داری - مبارزه منظم طبقاتی ، ترقی منوی طبقه کارگر از لحاظ سیاسی ، بعزت دهه‌ها سال مبارزه با حکومت‌های بورژوازی - برای تأمین منظور فوق عامل مؤثری محسوب میشد .

در سال ۱۸۴۰ مقارن با همان ایامیکه درهای زندان برای سالهای متضادی بروی بلانکی باز شد کتب و آثار بیشماری راجع بسوسیالیسم انتشار یافت . در بین این نوشته‌ها سه کتاب مشهور که تا انقلاب ۱۸۴۸ در محیط طبقه کارگر بیش از هر عاملی تأثیر داشته قابل اهمیت است کتب مزبور عبارتند از « تشکیلات زحمت » (لوئی بلان) کتاب « سیاحت در ایکاریا » (کابه) و کتاب « املاک خصوصی چیست ؟ » (پرودن Proudhon) (قبلا راجع به کابه صحبت شد و در قسمت آتی بدگر شرح حال پرودن خواهیم پرداخت و اینک درباره لوئی بلان به بحث میپردازیم)

لوئی بلان در سال ۱۸۱۱ در يك خانواده کارمند هالیرتبه دولت

متولد شد. پس از اتمام تحصیلات عالی به پستل تدریس پرداخت و چندی بعد بسبب علاقه کاملی که بنویسندگی داشت در روزنامه‌های مهم فرانسه با انتشار مقالات اجتماعی و سیاسی اقدام نمود و بدسته روزنامه‌های «دمکراتیک دست‌چپ» ملحق گردید. بالاخره در نتیجه پشت کار و جدیت در سال ۱۸۳۸ با انتشار روزنامه‌ای مبادرت ورزید. لوئی بلان در این روزنامه جداً با مسائل و موضوعات کارگری مشغول شده علل و موجبات تضاد موجود در اجتماع و راه حل مسائل پرنیج ناشی از این تضاد را باعلتی متین تشریح میکرد.

در شماره‌های سال بعد همین روزنامه کتاب «تشکیلات زحمت» ابتدا بشکل پاورقی و سپس در سال ۱۸۴۰ بصورت کتاب جداگانه‌ای طبع و انتشار یافت کتاب مذکور بقدری بیسابقه بود که در عرض ده سال ۹ بار چاپ آن تجدید گردید و بسبب این موفقیت بی نظیر لوئی بلان از بهترین دوستان طبقه کارگر معرفی شد.

نظر بهمین سابقه محبوبیت اجتماعی هنگامیکه در سال ۱۸۴۸ انقلاب فوریه شعله ور گردید (لوئی بلان یکی از رهبران اعتصاب ۱۸۳۸ کارگران لیون بنام آلبرت طبق تقاضای جدی و در نتیجه اصرار کارگران پاریس بمضویت حکومت موقتی بورژوازی پذیرفته شدند) ولی پس از چندی لرئی بلان بمناسبت تماس با عوامل بورژوازی و تماق گویبای عناصر کینه دستگاه حاکمه منور و متکبر و نسبت بمنافع طبقه کارگر لاقید و می‌اعتنا گردید و در نتیجه اتخاذ رویه معافانه کاری در کلیه شئون اجتماعی کارگران را از خود مایوس و متنفر کرد. لوئی بلان پس از این مرحله حتی در مطالب موارد برای خاموش کردن انقلاب از حکومت بورژوازی پشتیبانی نموده و از هر نوع ابراز مساعدت در این باره منایقه نداشت. با تمام این احوال طبقه استثمار کننده و اقلیت‌های مرتجع فرانسه در دشمنی خود نسبت بوی از هیچ اقدامی کوتاهی نیکردند. پس از تشکیل مجلس مؤسسان هنگام کوشش و تثبیت کارگران برای انحلال مجلس نامبرده لوئی بلان توسط دسته‌های ملیون بشدت مورد ضرب قرار گرفت؛ چندی بعد که قیام ژوئن منجر بعدم موفقیت گردید و رؤسای انقلاب و سوسیالیستها بشدت از طرف دولت ارتجاعی وقت تحت تعقیب واقع شدند لوئی بلان

چون به‌حاکمه خوانده شده بود بانگلستان فرار کرد و بیش از بیست سال در مهاجرت بسربرد (در سال ۱۸۷۰ پس از هزل ناپلئون سوم از طرف مردم پاریس بشماینده گی مجلس شورای ملی انتخاب شد ولی در روزهای کمون لوئی بلان بکارگران انقلابی پاریس ملحق نگردید و در مجلس ارتجاعی که از عناصر فعال طرفدار اصول بورژوازی تشکیل میشد باقی ماند . باین ترتیب لکنه تنکین همکاری با جلادان ورسای در تاریخ مبارزات اجتماعی وی - با اینکه در تصنیف خشونت‌های فاتحین از اقدامات جدی کوتاهی نمود - نقش بست . لوئی بلان در سال ۱۸۸۲ هنگامی که پایه‌های حکومت بورژوازی بر اساس کشتار خونین کمون پاریس در زیر عنوان جمهوری سوم مستحکم میشد زندگی را بدرود گفت)

لوئی بلان مورخ مشهور و نویسنده زبردستی بود و اولین سوسیالیستی است که برای نخستین بار در تاریخ . بسال ۱۸۴۸ به‌عضویت حکومت موقتی انتخاب گردید . وی تاریخ انقلاب کبیر فرانسه را در ۱۲ جلد برشته تحریر در آورده و از اصول عقاید و نظریات سیاسی ژاکوبین‌ها دفاع کرده است . شخصیت اجتماعی لوئی بلان از لحاظ تاریخ سوسیالیسم . بنسبیت اهمیت اشتراک اوردودات و بسبب تألیف کتاب «تشکیلات زحمت» میباشد

مهم‌نا نباید فراموش کرد که این کتاب مطالب تازه‌ای در بر ندارد موقتیب لوئی بلان در آنست که وی بترکیب نظریات و افکار سوسیالیستهای سابق و اتویست‌های صالح جو و انقلابی . در شخص خود موفق گردیده و آنها را در قالب پیشنهادات عملی معین با بیانی سهل و روشن و بشکی مناسب با احتیاجات روزمره کارگران کم و پیش روشن فکر . نوشته است . (لوئی بلان بطرزی ماهرانه استشار طبقه کارگر را تصویر کرده فقر و بیچارگی توده‌های کارگر را پس از دقت در اوراق سؤالیه مخصوص این موضوع ضمن ارقام صحیحی نشان داده است . وی نتایج وخیم این فقر عمومی و استشار را از لحاظ محلی نیز معلوم داشته است . علت اساسی پیدایش تمام این مسائل بنظر لوئی بلان در رقابت است . بمتیده او همانطور که کارگران در رقابت های اقتصادی موجود در اجتماع متضرر میشوند سرمایه‌داران نیز از این موضوع بنوبه خود صدمه می‌بینند بنظر وی مؤثر ترین وسیله رفع رقابت تأمین موضوع «تشکیلات زحمت» بر اساس شرکت و بان تشکیل

و ایجاد « کارگاههای اولیه » که بحساب دولت و تحت حمایت او براساس رقابت با موسسات سرمایه‌داری خصوصی بوجود آمده و اصل « دفع رقابت بوسیله رقابت » را دستور خود قرار داده است - میباشد .

(سوسیالیسم لوثی بلان در ابتدا خیلی اعتدالی بود وی نیز مانند فوریه در مورد مالکیت خصوصی و حتی سرمایه‌داری رویه محافظه‌کارانه‌ای پیش گرفته بود، او پیشنهاد میکرد که : « سرمایه‌داران برای عضویت در شرکتها دعوت شده از بابت سرمایه‌های خود بحساب صمدی چند استفاده خواهند برد و منافع مربوط باین موضوع باید از بودجه دولت تأمین شود ولی در منافع « موسسه » سرمایه‌داران هم فقط نظیر کارگران شرکت خواهند نمود. » بقیه لوثی بلان گرچه در این مورد دولت با مساعدت و کمک خود بشرکتهای کارگری « کارگاههای اجتماعی » در نظر اول فقط بصورت بانکیه فقرا جلوه مینمایند ولی بعدها همین دولت رفته رفته تشکیلات دهنده اصلی کلیه وسائل تولیدی خواهد بود)

لوثی بلان بدشمنان و منقذین خود که بیشتر آنان از عناصر رفمان بورژوازی بودند بامثال عاقلانه زیر جواب میدهد : « برای یکدقیقه ندورمی‌کنیم که همه بکار توزیع نامه‌ها مشغولند . دفعه دولت آگهی میدهد که از امروز بیمه و وظیفه توزیع نامه‌ها هم به خود دولت خواهد بود البته در این خصوص اعتراضات شدیدی بعمل می‌آید ! معترضین میتوانند بگویند : سی و چهار میلیون نفر هر روز بسی و چهار میلیون دیگر نامه مینویسند دولت چگونه میتواند در ساعت معین تمام این نامه‌ها را به تعداد برساند ؟ حال آنکه همه میدانیم مؤسسه پست در موقع معین با کمال سرعت بوظیفه خود عمل می‌کند ! »

(خدمت اساسی که از لحاظ اجتماعی میتواند برای لوثی بلان قائل شد موضوع تعیین مسئله مبارزات طبقاتی و نقش حکومت، بوسیله وی میباشد او میدانست که حکومت یعنی « قدرت متشکل » . حکومت از نظر تغییر ماهیت واقعی مبارزات از هیئت اجرائیه و دستگامی که براساس پشتیبانی پارلمان . محکمه . آرتش بوجود آمده باشد یعنی در تجسم عامل سیاسی یعنی حکومت . دخالت اصلی و تأثیر اولیه سه قوه - قوانین - فتواها - سر نیزه شرط لازم و اساسی است .)

تحصیل این عامل سیاسی بدون رعایت نکات مذکور، در تأمین مسئله
ماهیت واقعی آن بایجاد مانع احترام ناپذیری منجر خواهد شد .
(لوئی بلان میگوید وسائل کار پرولتاریا برای خلاصی از قید استثمار
کافی نیست حکومت باید هر دقیقه این وسائل را بآنها برساند ولی معذرا
بمقیده وی دولت اصلا يك اداره دائمی محسوب نمیشود و در این مورد
چنین توضیح میدهد که : « موقمی خواهد رسید که لزوم احتیاج بحکومت
مقتدر و فعال از بین خواهد رفت زیرا طبقات غیر مترقی و دور از درجه
تکامل در اجتماع وجود نخواهد داشت » اکنون باید دید حکومتی که
پشتیبان پرولتاریا و نماینده این طبقه بوده باشد از لحاظ لوئی بلان چگونه
تعریف میشود ؟ با مراجعه بکتاب و دقت در جنبه های مختلف فعالیت های
سیاسی او معلوم میشود که نقطه ضعیف کلیه کوششها و نوشته های وی مربوط
به همین قسمت است . لوئی بلان بدون آنکه سابقه پشت گرمی فعالیتهای
سیاسی خود را بطبقه کارگر در نظر گیرد . بفکر سالم (!) بورژوازی در
تشخیص منافع خویش ایمان داشت ؛ بدین لحاظ در همان موقع که جریانهای
پیچیده و فعالیتهای دیوانه وار این طبقه بمنظور ایجاد رخنه در منافع اتحادیه های
وسیع کارگران ادامه داشت . لوئی بلان با دلسوزی کامل به بورژوازی
مبکفت : « مسئله فقر کار خصوصی خودشان است . حکومت آینده که برنامه
آنها اصلاحات جدید اجتماعی خواهد بود باید بر اساس حقوق انتخابات
عمومی تشکیل شود ، او معذرت بود که این حکومت از اختلافات طبقاتی
بر کمر مانده قدرت سیاسی خواهد بود که مافوق طبقات تشکیل یافته
است و در چنین انتشار ساده لوحانه ای روحیه بورژوازی لوئی بلان
تظاهر میکند و نتیجه همین طرز تفکر است که در کتاب « تشکیلات زحمت »
نیز قبل از اجتماعی شدن وسائل تولید ، حکومت به مفهومی منطبق با
مقیده مذکور معین میشود . با تمام این احوال « تشکیلات زحمت » در
مبارزات طبقاتی کارگران را با شمارهای معینی مجهز کرد و اولین برق
نہنهای اجتماعی آنان شده در ایجاد شرکت های کثیر کارگری و در انقلابات
سال ۱۸۴۸ نقش بزرگی داشته است . هر چند این شرکتها مدت متبادی
دوام نکرده اند معذالك در تربیت صنعتی پرولتاریا بی تأثیر نبودند .
لوئی بلان فقط در آخرین چاپ کتابهای خود تحت تأثیر انتقادهای جدی

رفته رفته به کمونیزم نزدیک میشد و از این بیدگاه گاهی تساوی مزدها
و اصل « بهر کس باندازه احتیاجش و از هر کس باندازه استعدادش »
را پیشنهاد میکرد.

پروودن

-۱-

Pierre - Joseph Proudhon

۱۸۰۹ - ۱۸۶۵

در میان مؤسسين سابق سوسيالیسم ، کسانی وجود داشتند که با افکار و نظریات خود سالیان دراز توده‌های کارگر را از تشخیص درست منافع طبقاتی خویش برکنار داشته و بابت وسیله در مقابل رشد و توسعه افکار سوسیالیستی بین پرولتاریا ، مانع احترام از ناپذیری ایجاد میکردند . یکی از نویسندگان فرانسوی را بنام پروودن که از لحاظ مذکور معروفیت و اشتہار بسزائی دارد میتوان جزو سرسلسله این دسته از سوسیالیستها محسوب کرد . تعمق در شرح زندگانی و افکار اجتماعی وی نشان میدهد که خود پروودن مثال زنده‌ایست برای اثبات این نکته که يك فرد منسوب بطبقه زحمتکش ممکن است نظریات مضری علیه منافع اصلی طبقه کارگر تبلیغ نماید . و همچنین موقعیت بخصوص وی از لحاظ مبارزات اجتماعی مدلل میدارد که در عرض سالیان متمادی رهبران پیغمبر نهضت‌های کارگری و دشمنان پرولتاریا ، کسیرا که سخت‌ترین دشمن سوسیالیست‌های انقلابی است میتواند اشتباهاً با عمده‌أجزو شخصیت‌های بارز انقلاب پرولتاریائی و رهبران واقعی سوسیالیسم محسوب کنند ؟

بنابراین اطلاع از شرح حال و آشنائی با نظریات اجتماعی پروودن ولو آنکه بمیزان مختصری بوده باشد ، درس عبرتی بوده موجب مذاقه و تعمق بیشتری در خصوص مقاصد و منظوره‌های اساسی سوسیالیسم خواهد بود . پیر ژوزف پروودن بسال ۱۸۰۹ در قصبه بزانشون (Besançon) فرانسه در يك عائله فقیر کارگری بدنیا آمد . این عائله از اهالی روستائی قریه مذکور بود و باین لحاظ پروودن در تمام عمر بروستانی بودن خود افتخار میکرد . دوره کودکی در محیط طبیعی بزانشون سپری شد علاقه و

عشق بتحصیل و کسب دانش ، بسبب شرایط نامساعد مادی - بر قدرت تحمل و بردباری وی در قبال مشکلات و حوادث زندگی افزود . برای تامین علاقمندی و اشتیاق فراوان خود بتحصیل علم در یکی از مطابعم بحروف چینی پرداخت . چندی بعد در اثر جدیت و کوشش خستگی ناپذیر بتأسیس و ایجاد مطبعه کوچکی توفیق یافت ولی پس از مدتی اشتغال ، این قبیل امور را ترك گفته با سمت منشیگری مخصوص نزد شخصی استخدام گردید . در عرض این مدت پرودن بسبب مطالعه کتب و آثار نویسندگان و متفکرین گذشته بتوسعه معلومات خود موفق شد .

پرودن باین شغل اخیر نیز چندان علاقمند نگشت و بشاگردی یکی از مفازمه‌ها اشتغال ورزید . این قسمت از زندگانی پرودن را میتوان حدفاصل ادوار قبل و سالهای بعد فعالیت‌های اجتماعی وی محسوب داشت زیرا با ترك شغل اخیر نویسنده‌گی را که آرزوی او بود پیشه خود ساخت . پرودن با وجود جدیتهای فوق‌العاده‌ایکه بمنظور کسب علم میندول میداشت معینا بتحصیلات مرتبی موفق نشد و باین جهت وی نیز مانند اغلب اشخاص که پیش خود بتحصیل دانش میپرداختند تحصیلاتش نتیجه مساعی خود او بود : آمریکای مدتها قبل کشف شده را از نو کشف میکرد بمبارت دیگر با قدرت تفکر و تعمق بدرک موضوعاتی موفق میشد که پیش از او دیگران درباره آنها به بحث پرداخته بودند .

(در سال ۱۸۴۰ کتاب مشهور او بنام «مالکیت خصوصی چیست» منتشر گردید . در این کتاب پرودن بتجزیه و تحلیل عوامل پیدایش اصول مالکیت خصوصی پرداخته نکات حساس و دقیق موجود در روابط اجتماعی ناشی از تأثیر این اصول را معین میکند . در مورد مطالب تازه این کتاب نیز باید گفت که گرچه مسئله بحث در باره چگونگی مالکیت خصوصی از لحاظ شخص پرودن يك موضوع تازه محسوب میشد ولی شصت سال قبل از آنکه او نتیجه مطالعات و تحقیقات خود را بصورت کتابی نشر دهد یکی از مؤسسين انقلاب کبیر فرانسه بنام روسی گفته بود : «املاک خصوصی دزدی است .»)

در سالهای ۱۸۴۳ - ۱۸۴۴ پرودن با عمار گس جوان آشنا شد .

کارل مارکس در اثر افکار و نظریات اجتماعی پرودن که از لحاظ وی تازگی داشت تمام اوقات خود را در مصاحبت او میگذرانید و نتیجه همین علاقمندی معنوی بود که در آن موقع راجع به شخصیت اجتماعی پرودن نوشت که : « پرودن نه تنها بفتح پرولتاریا می نویسد بلکه خود شخص او هم پرولتر است. »

ولی این قضاوت مارکس آن قدرها طول نکشید پنجسال بعد هنگامیکه پرودن اثر مشهور خود بنام « تضاد اقتصادی با فلسفه فقر » را در دو جلد منتشر کرد کارل مارکس که نظریات سوسیالیستی خود را بساندازه کافی پرورده بود اشتباهات بزرگ و نکات ضد و تقیض و حتی نظریات مضریرا که در این کتاب وجود داشت تشخیص داده با کتاب جوابیه خود بنام « فقر فلسفه » از نظریات اجتماعی و عقاید فلسفی پرودن بشدت انتقاد کرد. این تقادی باندازه ای آزرده گی خاطر پرودن را فراهم نمود که از آن تاریخ با مارکس قطع علاقه کرد.

در انقلاب ۱۸۴۸ پرودن بسبب محبوبیتی که میان کارگران داشت از پاریس بنماینده گی مجلس مؤسسان انتخاب شد و پس از آنکه حکومت بورژوازی باجاری ساختن سیلپای خون تظاهرات آزادیخواهانه و احساسات انقلابی توده زحمتکش را خفه کرد ، پرودن رویه محافظه کارانه ای پیش گرفت و نقشه اجتماعی خود را که موسوم به « نجات جامعه » بود به بورژوازی تبلیغ کرده و برای عملی نمودن آن میکوشید

از این پس موقیت اجتماعی وی از لحاظ منافع پرولتاریا همیشه وضع غیر ثابتی داشت ، گاهی در قطب مثبت و زمانی در قطب منفی بود. یک روز وقتیکه تیر (Thiers) (رهبر بورژوازی در سر کوبی انقلاب که در ۱۸۷۱ پاریس) پرودن را تحقیر کرد وی با کمال آسودگی خاطر دز پاسخ گفت : « من بجناب آقای تیر پیشنهاد زیر را میکنم که من در تمام جلسات بدون مخفی داشتن مطلبی شرح زندگی خود را بگویم و آنکاه ایشان نیز بچنین کاری مبادرت ورزند . » معلومست که تیر حيله گر این پیشنهاد را نمیتوانست بپذیرد. بالاخره بورژوازی برای انتقام گرفتن از پرودن که وقتی با گفتن ذمالکیت خصومی دزدی است به نفرت و دشمنی این طبقه را نسبت بخود جلب کرده بود ، بهانه بدست آورد : در سال ۱۸۴۹ هنگامیکه پرودن

در یکی از کوچه‌های محله کارگران پاریس بمنظور حل مسئله فتر اجتماعی از راه صلح بتأسیس «بانک خلق» که سپام آن با کمال علاقه‌مندی از طرف کارگران خریدم میشد اقدام کرد بانها هم نشر مقاله در یکی از روزنامه‌ها یا بانها جنایت ادبی سه سال حبس محکوم گردیدند (رهائی وی از زندان باالفاء حکومت جمهوری واستقرار استبداد ناپلئون سوم مصادف شد. در این هنگام پرودن براساس اظهار امیدواری به حکومت استبدادی ناپلئون سوم در انجام نظریات اجتماعی خود بنوشتن کتاب کوچکی در زندان مبادرت ورزیده بود ولی ناپلئون سوم کفران نعمت کرد و در سال ۱۸۵۹ پرودن مجدداً به علت نگارش این کتاب سه سال حبس محکوم گردید. پرودن این بار به بلژیک فرار کرد و در سال ۱۸۶۵ وفات یافت.

این شرح مختصر شامل کلیاتی از قسمتهای عمده زندگانی پرودن بود. کتب پرودن به سی جلد میرسد و متضمن موضوعات گوناگون است. وی اغلب در مورد مطالبی به بحث پرداخته که در خصوص آنها معلومات ضعیف و ناقصی داشت.

اینکه باید دید آمال و افکار اجتماعی که پرودن در تشریح و تبلیغ آن میکوشید از لحاظ منافع اصلی پرولتاریا چه شکلی داشته و او برای اصلاح وضع زحمتکشان چه چیز پیشنهاد میکند و درجهٔ علاقه و ارتباط فکری وی با سوسیالیسم بر چه پایه ایست؟ تهیهٔ جواب مختصر و کلی باین سئوالات فوق العاده مشکل است زیرا که پرودن در هر قدم خود بر ضد خویش حرکت میکند: در نخستین کتاب خویش که راجع بمسئلهٔ مالکیت نوشته با کمال جرأت به انتقاد از مالکیت بورژوازی پرداخته و از مضالم اجتماعی نتیجهٔ حا که در بیره کشی پرولتاریا بشدت اظهار تنفر میکند ولی چندی بعد سوسیالیستهای انقلابی سال ۱۸۴۰ را نیز مورد تخریب قرار داد؛ این مسئله بهیچوجه شکفت انگیز نیست چه اساساً شخص پرودن از لحاظ افکار اجتماعی دشمن سوسیالیسم بود او مالکیت را بطور اعم رد نمیکرد بلکه فقط مالکیت بورژواهای عمده و بزرگ را از لحاظ سمادت جامعه مضر میدانست در مورد پرولتاریا پرودن معتقد بود که برای آنها باید آن چنان شرائطی ایجاد کرد که در تحت تأثیر آن کارگران بسیج شده بدون سلب مالکیت بورژوازی و اقدام بانقلاب تجاوز کارانه، در عین مصونیت از قید استشار، امکان کار کردن داشته باشند؛ پرودن برای انجام

این منظور اجرای نقشه «استقرائش مجانی» و اصلاح میدید وی چنین تشخیم میداد که اگر هر کارگر از «بانک خلق» قرض کند بوسیله خود و بدون احتیاج سرمایه دار میتواند کارهایش را روبراه کرده بفزاید آلات لازم و مواد اولیه پردازد و بدین ترتیب حل مسئله اجتماعی از راه صلح میسر خواهد شد!

با اندک دقت در این مطالب معلوم میشود که: پرویدن اصلا از قوانین تولید سرمایه داری هیچگونه اطلاعی نداشته، وی باین نکته مهم متوجه نبوده که هیچ يك از کارگران نمیدانند در صنایع بزرگ چه نوع از محصولات متعلق بکار و نجبری آنهاست کلیه نقشهها و طرحهای اقتصادی و اجتماعی پرویدن با مقاصد و منافع طبقاتی اجتماعات روستائی و بطور کلی مولدین پیشه ور که مسبب اصول خورده بورژوازی بودند، تطبیق میکرد این سوسیالیسم «خورده بورژوا» با استثمار سرمایه داری بزرگ مبارزه میکند ولی در این مبارزه آینده مترقی از لحاظ فلسفه پرویدن هیچگونه ارزشی نداشته بلکه گذشته و استقرار وضع اجتماعی ویژه آن مورد نظر بود. پرویدن میخواست با ایجاد اصول تازه ای در مناسبات سرمایه داری شکل اجتماع قرون وسطی را برپا کند او اهمیت انقلابی اصل سرمایه داری و نقش اجتماعی پرودن را در این انقلاب تشخیم نمیداد و بدین لحاظ است که پرویدن و مقلدین وی مخالف هر گونه اعتصاب کارگران بودند. بنظر آنها اعتصابها باعث گرانی خوار بار شده در نتیجه وضع عمومی زحمتکشان را خراب می نماید و پیدایش مسئله عدم اعتماد با اعتصاب که مخصوص دهقانان بود نتیجه تاثیر همین نظریه میباشد.

بطوریکه معلوم شده دهقان فقط بکوشش خود اطمینان دارد و استحکام و افزایش املاک خود را بگانه راه لازم در مبارزه بمنظور بهبودی وضع خود دانسته و اعتصاب کارگران را نظیر يك عامل «بی نظمی» مشاهده میکند و بوسیله کارگران خوار بار در شهر و اشکال عمده فروش محصولات خصوصی خود میدانند پرویدن از لحاظ سیاسی بعکس عملهای شدیدی بر ضد دولت مبادرت میکرد و باین وسیله شالوده آنارشیسم بوسیله وی ریخته شد به قیده او دخالت هر نوع حکومت در امور اجتماعی غیر از زبان و خسارت حاصل دیگری ندارد بنا بر این به موطنان خود توصیه میکرد که بوسیله تحریم دولت

حیات اجتماعی خود را بدست خویش اداره کنند) وی در این خصوص چنین نوشته: «بدون تقاضائی از دولت باید بر آن غلبه کرد. مفتخواری سرمایه‌داری باید کشف شود و با اصول «استقراض» تعویض گردد. باید فعالیت توده‌های متشکل و آزادی شخصیت را رعایت نمود.» بطوریکه می‌بینیم در این ابراز عدم اعتماد بدولت باز روحیه خورده بورژوازی پرودن تظاهر میکند روستائیان دولت را بصورت يك دستگاہ امور وصول مالیات میدیدند حکومت‌های انقلابی نیز موضوع وصول مالیات را با جدیت خاصی رد میکردند باین لحاظ پرودن هم اصول اجتماعی دموکراتها و حق انتخابات عمومی را با خصومت مخصوصی تلقی می‌نمود و جمله «حق انتخابات عمومی» ضد انقلابی است» که از طرف باکو این آنارشیت معروف روسی اظهار شده به پرودن اختصاص دارد لکن نباید فراموش کرد که این دشمنی او با دولت مانع از این نشد که برای تطبیق افسانه اجتماع نسوسیالیزم بورژوازی کوچک خود به استبداد ناپلئون سوم متوسل شود! بالاخره پرودن که آرزوی حریت کامل بشریت را تبلیغ میکرد در این مورد برای طبقه نسوان سهم مهمی قائل نبود و بجاهدت و فداکاری این طبقه در نجات خود از قید اسارت خانه‌ریشخند می‌نمود! وی معتقد بود که جای زن در اجتماع نبوده بلکه در آشپزخانه و محل اطفال میباشد. (بطور کلی در تمام جنبه‌های مثبت و منفی فعالیت‌های فکری پرودن افکار تئوکراتیک نظرانه خورده بورژوازی مشاهده میشود. در تقاضای که اهالی آن تنگروانز چارشدیدی نسبت به بوروکراسی دولتی نشان میدادند و سرمایه‌داری بزرگ مراحل ابتدائی خود را طی میکرد و همچنین در مناطقی که صنایع دستی و اجتماع دهقانی اکثریت ذی نفوذ جامعه را تشکیل میدادند افکار و نظریات پرودن بیشتر رسوخ می‌یافت بطوریکه وضع اجتماعی فرانسه - اسپانی - ایتالیا از لحاظ مذکور نمونه بارزی بود. در این ممالک کارگران برای مدت‌های متمادی بطرفداری از عتقاد پرودن مبتلا شدند و در نتیجه اصول آنارشیزم و آنارشی سندیکالیزم که هر نوع مبارزه سیاسی و اشتراک در پارلمان و حق انتخابات عمومی را رد میکرد در کشورهای مذکور بیش از سایر نظریات اجتماعی بسط و توسعه یافته بود در روسیه نیز آنارشیزم پرودن سالیان دراز بر محیط روشنفکران سوسیالیست تسلط داشت.